





دوفصلنامه «فلسفه علوم انسانی اسلامی» در چارچوب رسالت‌های
پژوهشکده علوم انسانی اسلامی دانشگاه قم منتشر می‌شود.
سال اول / شماره ۱ / شماره پیاپی ۱ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴



صاحب امتیاز: دانشگاه قم

مدیر مسئول: مهدی گرامی‌پور

سرمدیر: محمدعلی راغبی

مدیر اجرایی: سید مهدی موسوی

ویراستار: حمیدرضا عرفانی‌فر

صفحه‌آرا: اعظم یزدلی

طراح جلد: سیدمحمد ابطحی کاشانی

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سید سجاد ایزدهی (استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، غلامرضا بهروزی لک (استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع))، عباس پسندیده (استاد دانشگاه قرآن و حدیث)، ابوالفتح خالقی (استاد دانشکده حقوق دانشگاه قم)، محمدعلی راغبی (استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم)، سعید فراهانی فرد (استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم) و احمد واعظی (استاد گروه فلسفه‌های مضاف دانشگاه باقرالعلوم (ع)).

نشانی دفتر فصلنامه:

قم: بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه مرکزی، طبقه همکف، پژوهشکده علوم انسانی اسلامی

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۷۳

قیمت نسخه چاپی: ۴۰۰ هزار تومان

نشانی اینترنتی: phih.qom.ac.ir

پست الکترونیک: phih@qom.ac.ir

- مقالات و مطالب منتشر شده در دوفصلنامه فلسفه علوم انسانی اسلامی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
- این دوفصلنامه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
- نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

دو فصلنامه
فلسفه علوم انسانی اسلامی

| سال اول | شماره ۱ | شماره پیاپی ۱ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴ |

بسمه تعالی

جهت نمایه شدن مجله در پایگاه‌های داخلی و بین‌المللی و ارتقاء در رتبه‌بندی‌ها، از نویسندگان محترم خواهشمندیم با رعایت قوانین و ضوابط مربوطه، ما را در طی این مسیر یاری بفرمایند.

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به نشریه «فلسفه علوم انسانی اسلامی» نباید قبلاً (به طور کامل یا بخشی از آن، به زبان فارسی یا انگلیسی) در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.

- در صورتی که مجله، حتی بعد از فرایند پذیرش یا انتشار مقاله، متوجه خطا و اشتباه عمدی یا سهوی نویسندگان در رابطه با مورد فوق یا تعارض با هر کدام از وظایف اخلاقی نویسندگان شود، می‌تواند مطابق قوانین اقدام نموده، مقاله را از مجله حذف کرده و حتی دلیل آن را جهت اطلاع‌رسانی جامعه علمی در قالب نامه‌ای در شماره جاری مجله منتشر کند. علاوه بر اینکه دیگر مقاله‌ای از او پذیرش نخواهد کرد.

- مقالات انگلیسی نباید ترجمه مقاله یا بخشی از مقاله‌ای باشد که نویسنده قبلاً به زبان فارسی (یا زبان دیگری) منتشر کرده است.

- نشریه از پذیرش مقالاتی که نویسنده به طور عمد به آثار پژوهشی خود ارجاع داده (خود استادی)، معذور است.

- نشریه از پذیرش مقالاتی که استنادات و منابع مورد استفاده در آن معتبر نبوده یا با وجود منابع معتبر جدید، بیشتر به منابع قدیمی یا دست دوم ارجاع شده باشد، معذور است.

- در صورتی که مقاله ارسالی، همپوشانی قابل قبولی با مقالات منتشر شده نویسنده/نویسندگان، داشته باشد، نویسنده باید حتماً به مقاله قبلی اشاره کرده و دلایل نوآوری اثر جدید را دقیق تشریح کند، در غیر این صورت، مقاله رد خواهد شد.

- نشریه از پذیرش مقالاتی که عیناً فصلی از کتاب منتشر شده نویسنده یا فصلی از پایان‌نامه او باشد، معذور است.

- در صورتی که نویسنده مقاله در حال ارزیابی یا پذیرش شده در مجله داشته باشد که هنوز منتشر نشده است (یا اخیراً منتشر شده است)، نمی‌تواند مقاله جدیدی به مجله ارسال کند، حتی اگر تیم نویسندگان متفاوت باشد.

- نویسندگان گرامی به هیچ وجه دو مقاله را همزمان برای ارزیابی ارسال نفرمایید. در این صورت مجله حق دارد هیچ کدام از مقالات را برای داوری ارسال نکند.
- با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور (برای مقالات فارسی) و در etacitnehTi (برای مقالات انگلیسی) مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این دو سامانه مطمئن شوند.
- لازم است نویسندگان گرامی، در مقالات انگلیسی، اکیداً از ارجاع به منابع ترجمه شده (از انگلیسی یا عربی به فارسی) پرهیز کنند.
- مجله از مقالات میان رشته‌ای که حاوی مساله‌ای نو باشد استقبال می‌کند.
- مقالات دریافت شده ابتدا توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در صورتی که مناسب تشخیص داده شوند، برای ارزیابی به دو نفر از داوران صاحب نظر، ارسال خواهد شد.
- نشریه «فلسفه علوم انسانی اسلامی» در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.

شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر

چنانچه مقاله مستخرج از:

- ** پایان نامه (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل)
 - ** طرح پژوهشی (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
- باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند.

روند ارسال مقاله به نشریه

- نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «ارسال مقاله» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را صرفاً از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- مجله صرفاً پاسخگوی نویسنده مسئول جهت پیگیری وضعیت مقاله بوده و از دادن پاسخ به سایر نویسندگان همکار معذور است.

- تنها کانال ارتباطی رسمی مجله جهت پاسخ گویی به نویسندگان پست الکترونیکی مجله بوده و کانال ارتباطی دیگری ندارد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

دوفصلنامه فلسفه علوم انسانی اسلامی فقط مقالاتی که حاصل دستاورهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید در موضوعات ذیل است را می پذیرد:

- مبانی و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی
- رویکردهای رایج به علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام
- نقد علوم انسانی متداول
- مدیریت تحول علوم انسانی
- آینده‌پژوهی علوم انسانی
- نظریه‌پردازی و نوآوری با رویکرد اسلامی در تولید علوم انسانی اسلامی

*مجله صرفاً مقالات علمی پژوهشی که به روش تحلیلی نگارش شده باشند را پذیرش می‌کند. از این رو اکیداً از ارسال مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه خودداری فرمایید.

فایل‌هایی که نویسنده مسئول باید زمان ثبت‌نام در سامانه بارگذاری کند:

- فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- فایل مشخصات نویسندگان
- فایل تعهدنامه و عدم تعارض

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله: بین ۵۶۰۰ تا ۸۰۰۰ واژه

تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۱۰ کلیدواژه

تعداد واژگان چکیده فارسی: ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، تبیین موضوع، روش، نتایج مهم پژوهش باشد)

تعداد واژگان چکیده مبسوط به زبان انگلیسی: ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ واژه

نحوه درج مشخصات نویسندگان

تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.

اسامی نویسندگان باید در سامانه به طور دقیق درج شود. از نظر مجله تنها اسامی که در سامانه درج شده است به عنوان نویسنده یا نویسندگان مقاله مورد تایید است. در ضمن، اضافه کردن نام نویسندگان به هیچ وجه بعد از ارسال مقاله و پذیرش، نه در سامانه نه در فایل مشخصات نویسندگان امکان پذیر نخواهد بود و تا قبل از مشخص شدن نتیجه داوری نیز در صورتی که تایید و موافقت همه نویسندگان مقاله ارائه شود، امکان حذف نام برخی از نویسندگان وجود خواهد داشت.

مقالاتی که مستخرج از پایان نامه باشند، دانشجو نویسنده اول و استاد راهنما نویسنده مسئول خواهد بود. درج کد ORCID برای نویسندگان الزامی است. برای دریافت این کد از طریق لینک زیر اقدام کنید:

<https://orcid.org/register>

وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با الگوهای ذیل درج شود:

*** درج ایمیل دانشگاهی برای دانشجویان و اساتید الزامی است.

• اعضای هیأت علمی

رتبه علمی (استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

• دانشجویان

دانشجوی ...، گروه، دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

• افراد و محققان آزاد

مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان

۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع/مسئله/سوال، هدف، روش، نتایج)

۳. مقدمه (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و نوآوری پژوهش)

نکته: پیشینه تحقیق در همه مقالات ارسالی الزامی است. حتما باید نوآوری و تفاوت پژوهش ارسالی با

پژوهش‌های پیشین دقیق تبیین شود.

۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)

۵. نتیجه‌گیری
۶. فهرست منابع.

*** روش استناددهی این مجله، روش شیوه‌نامه ایران (راهنمای استناد به منابع اطلاعات فارسی و انگلیسی) بر پایه شیوه‌نامه شیکاگو است. لطفاً براساس این روش، استنادات و منابع را تنظیم کنید. لینک دریافت شیوه‌نامه در سایت مجله موجود است.

** در این الگو استناد به منابع درون متنی است:

(نام خانوادگی نویسنده سال انتشار، شماره صفحه)

مثال: (اکبری ۱۳۹۵، ۴۳)

در صورتی که از چند صفحه پیاپی استفاده شده باشد، به صورت مثلاً: ۲۳-۲۵ درج خواهد شد.

مثال: (مطهری ۱۳۷۱، ج. ۱۳: ۲۳-۲۵)

* از اشاره مستقیم / غیر مستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.

* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.

* از نقل قول‌های مستقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش

از متن، نقل قول مستقیم است).

* نقل قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل قول " " و بیش از آن به صورت

تورفتگی نوشته شود.

** در فهرست منابع:

مقالات:

نام خانوادگی، نام (در ارجاعات انگلیسی نام کامل ذکر شود). سال انتشار. «عنوان مقاله داخل

گیومه». نام مجله (ایتالیک). سال (شماره): صفحات.

مثال:

آیت‌اللهی، حمیدرضا. ۱۴۰۱. «امکانات جدید برون‌گرایی معرفت‌شناختی برای فلسفه دین و مواجهه

با چالش تنوع ادیان». پژوهش‌های فلسفی کلامی (ایتالیک) ۲۴(۹۲): ۵۳-۷۲.

<https://doi.org/10.22091/jptr.2022.7873.2681>

Legenhausen, Mohammad. 2019. "Religious Epistemology and Dialectic." *Journal of Philosophical Theological Research (Italic)* 21: 4358-. [https://doi.org/ 10.22091/PFK.2019.4085.2065](https://doi.org/10.22091/PFK.2019.4085.2065)

* در فهرست منابع، درج شناسه DOI برای مقالاتی که دارای این کد هستند، الزامی است.

کتاب:

نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (ایتالیک). شهر انتشارات: نام انتشارات.

مثال:

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *رحیق مختوم* (ایتالیک). قم: اسراء.

Murphy, Nancey and Warren S. Brown. ۲۰۰۷. *Did my neurons make me do it? Philosophical and neuro-biological perspectives on moral responsibility and free will.* Oxford: Oxford University Press.

فهرست مطالب

- ۱۳ هم‌افزایی نظریه ارواح معانی، مقاصد شریعت و هرمنوتیک در تحول علوم انسانی
مهدی شوشتری
- ۵۱ حکمرانی مطلوب اسلامی از منظر فلسفه سیاسی
خواجه نصیرالدین طوسی (با تمرکز بر کتاب اخلاق ناصری)
سید جواد میرخلیلی
- ۷۵ الگوهای استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان
علی اکبر زهره‌کاشانی
- ۱۰۳ مرجعیت علمی ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی؛ چرا و چگونه؟
سید محمد تقی موحد ابطحی
- ۱۳۵ تحلیل بنیادی معماری اسلامی براساس سه نظریه در نسبت دین و فرهنگ
علیرضا پیروزمند، مهدی یوسفی پارسا
- ۱۶۵ روش اجتهادی در فهم متن و تولید نظریه علوم انسانی اسلامی
با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
مهدی گرامی‌پور
- ۱۹۷ نقش مدیریت اطلاعات در تحول علوم انسانی
علی میرعرب
- ۲۱۹ صورت‌بندی چهار اصل انسان‌شناختی مستفاد از حکمت متعالیه ملاصدرا
در سطح فلسفه علوم انسانی اسلامی
حمیدرضا عرفانی‌فر
- ۲۵۱ دلالت‌های مبانی انسان‌شناختی و حیانی در نظارت اجتماعی
صادق گلستانی
- ۲۸۱ بازخوانی رابطه دین و تمدن در نگاه شهید مطهری براساس نگرش مالک‌بن‌نبی و تویین‌بی
زینب شکیبی، سمیرا بخشی‌پور نیلاش
- ۲۹۹ جایگاه اصل «حکومت»، در تعریف و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی
محسن ابراهیمی
- ۳۲۵ الگوی روش‌شناختی حجیت در فهم متن و حیانی:
تأملی در نسبت اصول فقه با هرمنوتیک گادامر
مهدی عزیزی

مرجعیت علمی ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی چرا و چگونه؟

سید محمدتقی موحد ابطحی *

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

smtmabtahi@gmail.com

چکیده

یکی از مأموریت‌های شورای عالی انقلاب اسلامی در گام اول انقلاب، تحول، ارتقا و تعالی علوم انسانی و دستیابی به علوم انسانی اسلامی بوده است. بدین منظور در گام اول انقلاب مراکز متعدد فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و سیاست‌گذاری تأسیس گردید و با فعالیت‌های آن‌ها، ادبیاتی غنی حول این مسئله پدید آمد. با توجه به تأکیدات رهبر انقلاب در ارتباط با مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در عرصه بین‌المللی، و درج این هدف در افق سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از شورای عالی انقلاب فرهنگی انتظار می‌رود در گام دوم انقلاب، ضمن مطالعه آسیب‌شناسانه این مراکز و اقدامات و دستاوردهای آن‌ها، با عطف توجه به مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌های حکمرانی متعالی، ظرفیت‌های متنوع مراکز متعدد فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی را بسیج نماید و بستر لازم را برای کسب مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در گام دوم انقلاب فراهم آورد تا مقدمه‌ای شود برای گسترش دیپلماسی علمی و دستیابی به مرجعیت علمی در سایر علوم و در نهایت دستیابی به تمدن نوین اسلامی، که هر یک از این‌ها از دغدغه‌های رهبر انقلاب می‌باشد. مقاله حاضر پس از اشاره به چرایی مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی، برای دستیابی به این هدف، با در نظر گرفتن سناریو خوش‌بینانه، یک اقدام محوری و بنیادی (برگزاری همایش بین‌المللی با عنوان «علوم انسانی اسلامی؛ گذشته، حال و آینده») و چند اقدام خرد (تأسیس خبرگزاری و نشریه بین‌المللی، رصد اقدامات انجام‌شده، صندوق مالی بین‌المللی در ارتباط با علوم انسانی اسلامی) را پیشنهاد کرده است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی اسلامی، مرجعیت علمی، گام دوم انقلاب، حکمرانی علوم انسانی اسلامی، دیپلماسی علمی.

۱. مقدمه

در پی فعالیت‌های ستاد انقلاب فرهنگی که در سال ۱۳۵۹ تأسیس شده بود، شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۹ آذر ۱۳۶۳ با اهداف شش‌گانه و در مجموع با مأموریت مهندسی فرهنگی ایران اسلامی و انقلابی پایه‌ریزی گردید. یکی از مأموریت‌های این شورا، تحول در علم و نهادهای علمی کشور بود که به واسطه آن شوراهای تخصصی «حوزوی» در سال ۱۳۷۴، «اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» در سال ۱۳۷۶، «تحول و ارتقای علوم انسانی» در سال ۱۳۸۸ و «ستاد علم و فناوری» در سال ۱۳۹۶ تأسیس گردید. هرچند تمامی علوم (اعم از علوم اسلامی حوزوی، علوم پایه و مهندسی، پزشکی و علوم انسانی دانشگاهی) در ایران به معانی مختلف نیازمند تحول، ارتقا و تعالی هستند، رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر آن تأکید داشته‌اند، اما در این میان، در گام اول انقلاب اسلامی، نسبت به تحول، ارتقاء و تعالی علوم انسانی دانشگاهی اهتمام بیشتری وجود داشته است و به واسطه آن مراکز متعدد آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و سیاست‌گذاری تأسیس شده‌اند و با انجام تحقیقات و ترویج و گسترش آن در قالب آموزش‌های رسمی و فوق‌برنامه‌ای، همایش‌ها، کتب، نشریات و ... ادبیاتی غنی در این حوزه پدید آمده است (موحد ابطحی ۱۴۰۱).

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند، اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به‌دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر معظم انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» برای ادامه این راه روشن، به تبیین

دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. ایشان در این بیانیه می‌فرمایند: «برای جمهوری اسلامی مهم است که چرا و چگونه بماند. فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد؛ اما این فاصله با حضور نسل جوان، مؤمن، دانا و پرانگیزه با قدرت طی خواهد شد». به عقیده ایشان «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت» و با بهره‌گیری از «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصول، که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید». ایشان تأکید می‌کنند که «محصول تلاش چهل‌ساله اکنون پیش چشم ماست»، اما باید توجه داشت که «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار جوانان طی شود... ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم و از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم» (خامنه‌ای ۱۳۹۷).

به بیان خلاصه رهبری تأکید دارند جوانان مؤمن، دانا و پرانگیزه باید با درس‌گرفتن از گذشته و تکیه بر دستاوردهای گام اول انقلاب، و درپیش‌گرفتن مدیریت جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و انقلابی، فاصله میان موقعیت کنونی (برای نمونه عقب‌افتادگی از قله‌های دانش جهانی) و اهداف و آرمان‌های متعالی انقلاب (از جمله پیشی‌گرفتن از مرزهای دانش و رسیدن به تمدن نوین اسلامی) را از میان بردارند.

در این میان از شورای عالی انقلاب فرهنگی، با مأموریت کلان مهندسی فرهنگی و علمی، انتظار می‌رود زمینه‌ساز ایفای نقش جوانان مؤمن، دانا و پرانگیزه در این زمینه باشد، و خود نیز در راستای مأموریت حکمرانی تحول، ارتقاء و تعالی علوم انسانی، دستاوردهای

گام اول انقلاب را با رویکردی آسیب‌شناسانه ارزیابی کرده و باتوجه‌به توصیه‌های چندین‌باره مقام معظم رهبری در ارتباط با ضرورت تحول، ارتقاء و تعالی علوم انسانی و دستیابی به علوم انسانی اسلامی و کسب مرجعیت علمی در عرصه بین‌المللی، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی لازم را برای کسب مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام تدارک بیند تا به حول و قوه الهی این هدف در گام دوم انقلاب و در افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحقق یابد.

این مقاله در گام اول به چرایی مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی اسلامی می‌پردازد و در گام دوم به منظور دستیابی به چنین مرجعیتی، با بهره‌گیری از مفاهیم سناریونویسی در آینده‌پژوهی، از آینده‌های محتمل^۱ و ممکن^۲ گذر کرده و به ترسیم آینده مطلوب و مرجع^۳ پرداخته و برای دستیابی به چنین آینده مطلوبی یک راهبرد عملیاتی کلان، و چند راهبرد عملیاتی خرد اشاره می‌گردد. این آینده می‌تواند به عنوان افق سیاست‌گذاری‌های شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی مدنظر قرار گیرد و البته طبیعی است باتوجه‌به درک عمیق‌تر وضع موجود، ممکن است شورای تحول دستیابی به آینده‌های محتمل را در دستور کار خود قرار دهد.

۲. چرایی مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها از ضرورت دستیابی به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی یاد کرده‌اند (ر.ک. خامنه‌ای ۱۳۹۸، الف، ۱۳۹۹ ب، ۱۴۰۰). هرچند ایشان تأکید داشته‌اند که «هر کسی در حد توان خودش باید کارهای لازم را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی انجام دهد» (همان ۱۴۰۰)؛ اما باتوجه‌به جایگاه علم

1 Probable Future.

2 Possible Future.

3 Preferable Future.

در عرصه تمدنی که زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی اقتصاد و صنعت و شهرسازی و ... می‌شود، تأکید ایشان به اهمیت پیشرفت علمی در ایران بسیار زیاد بوده است (ر.ک. خامنه‌ای ۱۴۰۱ الف و ب و ج و د، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳). و همان‌طور که در بیانیه گام دوم انقلاب هم ملاحظه گردید، ایشان بر لزوم جبران عقب‌افتادگی علمی و پیش‌افتادن از کاروان علم جهانی تأکید داشتند. به بیان دیگر به نظر می‌رسد در نگاه رهبر معظم انقلاب، برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی لازم است در زمینه علمی به مرجعیت رسید و از قافله جهانی علم سبقت گرفت. از این روست که رهبر انقلاب از سال ۱۳۶۸ به این سو، بارها از ضرورت کسب مرجعیت علمی ایران یاد کرده‌اند. ایشان در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۶۸ به این نکته اشاره می‌کنند که کشورهای منطقه واقعاً مایه‌های علمی کافی ندارند و کشور ایران، باتوجه به عمق فرهنگ اسلامی و علمای قوی که همیشه در این جا بوده‌اند و حالا نیز هستند؛ در مسائل علمی و اسلامی تحقیق کند و کتب مرجعی در این زمینه فراهم آورد. ایشان همچنین در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۴ می‌فرمایند: باتوجه به استعداد ایرانیان، اگر همت کنیم می‌توانیم تا بیست- سی سال دیگر کاری کنیم که ایران و ایرانیان در صدر نام‌آوران عرصه علم و فناوری در دنیا قرار گیرند و حتی «ما باید جوری برنامه‌ریزی و حرکت کنیم که پنجاه سال بعد اگر کسی در دنیا خواست حرف علمی نو بشنود، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد (خامنه‌ای ۱۴۰۱ ج).

هرچند در زمینه چپستی و شاخص‌های مرجعیت علمی و راهبردهای نیل به آن آثار متعددی نوشته شده است (ر.ک. لطیفی و همکاران ۱۳۹۷؛ رودی ۱۳۸۹؛ سیدجوادین و همکاران ۱۳۹۱؛ عبدالحسین‌زاده و همکاران ۱۳۹۴، قلی‌پور ۱۳۹۹؛ صبوری ۱۴۰۲)، از این بیانات رهبری می‌توان به این جمع‌بندی رسید که وقتی می‌توان گفت ایران در زمینه علم به مرجعیت رسیده است که مراجعه محققان جهانی به دستاورد محققان ایرانی مشاهده گردد. همان‌گونه که امروزه شاخص مرجعیت علمی برای نمونه در حوزه نشریات علمی، براساس شاخص‌های علم سنجی مانند ضریب تأثیر (Impact Factor - IF)، شاخص اچ

(H-Index)، شاخص (SNIP (Source Normalized Impact per Paper)، شاخص SJR (SCImago Journal Rank) و ... سنجیده می‌شود.

حال با مفروض گرفتن ضرورت دستیابی به تمدن نوین اسلامی (به‌عنوان هدف اصلی انقلاب اسلامی) و ضرورت دستیابی به مرجعیت علمی (به‌عنوان گام مقدماتی برای نیل به تمدن نوین اسلامی) و محدودیت‌های منابع موجود می‌توان این پرسش را مطرح کرد که دستیابی به مرجعیت علمی در کدام زمینه باید در اولویت قرار گیرد؟ علوم پایه و مهندسی، پزشکی، علوم انسانی یا علوم اسلامی؟ طبیعی است پیشرفت علوم تنها در صورتی پایدار خواهد بود که به‌صورت متوازن انجام گیرد. نمی‌توان انتظار داشت جامعه‌ای در پزشکی پیشرفت نداشته باشد و تمام توان خود را برای کسب مرجعیت علمی در علوم پایه هزینه کند. از سوی دیگر بدون پیشرفت در علوم پایه (مانند زیست‌شناسی و بیوشیمی و ...) نمی‌توان انتظار داشت دانش پزشکی پیشرفت پایداری داشته باشد. اما همان‌طور که اندیشه فلسفی یونانی به طبقه‌بندی خاصی از علم توسط ارسطو، فارابی، غزالی، بیکن، کنت و ... به تناسب موقعیت تمدنی و جهان‌بینی خاص خود، طبقه‌بندی‌های متفاوتی از علوم ارائه کردند و برخی از این طبقه‌بندی‌ها به سیاست‌گذاری‌های متفاوتی در عرصه علم انجامید، تمدن نوین اسلامی نیز نیازمند نوع خاصی از طبقه‌بندی علوم است که هم به‌لحاظ معرفتی نسبت علوم مختلف را با هم مشخص کند و هم به‌لحاظ سیاستی روشن کند که کدام یک از دانش‌ها باید محور پیشرفت علمی قرار گیرد.

۱-۲. مرجعیت علمی در کدام کلان حوزه علمی دست‌یافتنی‌تر است؟

باتوجه به مطالب بیان‌شده دستیابی به مرجعیت علمی در عرصه بین‌المللی یک توفیق برای جمهوری اسلامی ایران است و زمینه‌ساز دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. همچنین اگر دستیابی به مرجعیت علمی در تمامی شاخه‌های کلان علوم (علوم مرتبط با ریاضیات،

علوم تجربی طبیعی (فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ...) و علوم انسانی (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و شاخه‌های مختلف مهندسی و پزشکی) به‌لحاظ عملی ممکن بود، شایسته بود که سیاست‌گذاران علمی کشور، این هدف عالی را در دستور کار خود قرار دهند. اما با توجه به محدودیت‌های مختلف، از جمله محدودیت‌های مالی و تحریم‌های بین‌المللی و ... به‌نظر می‌رسد اگر بدون یک تحلیل کارشناسانه مرجعیت علمی در تمامی شاخه‌های علوم دنبال شود و هزینه‌های تحقیق و توسعه برای دست‌یابی به چنین هدفی بین تمامی رشته‌های علمی توزیع گردد، عملاً مرجعیت علمی در هیچ‌یک از حوزه‌های علمی یادشده به‌دست نخواهد آمد. از این‌رو لازم است مطالعاتی در ارتباط با شاخه‌هایی از دانش که امکان دست‌یابی به مرجعیت علمی در آن فراهم‌تر است انجام گیرد.

۲-۲. دشواری مرجعیت علمی در تمامی علوم

شواهد نشان می‌دهد که جایگاه ایران در تولید علم در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی روبه‌رشد بوده است (از رتبه ۵۲ در سال ۱۳۵۹ به رتبه ۱۶ در سال ۱۴۰۳) و شاید بتوان گفت اگر همانند گذشته و حتی بیش از آن در این زمینه سرمایه‌گذاری شود، جایگاه ایران گام‌به‌گام ارتقاء یافته و ایران می‌تواند در این حوزه‌ها به مرجعیت علمی دست یابد.

در ارتباط با این فرضیه چند ملاحظه قابل طرح است:

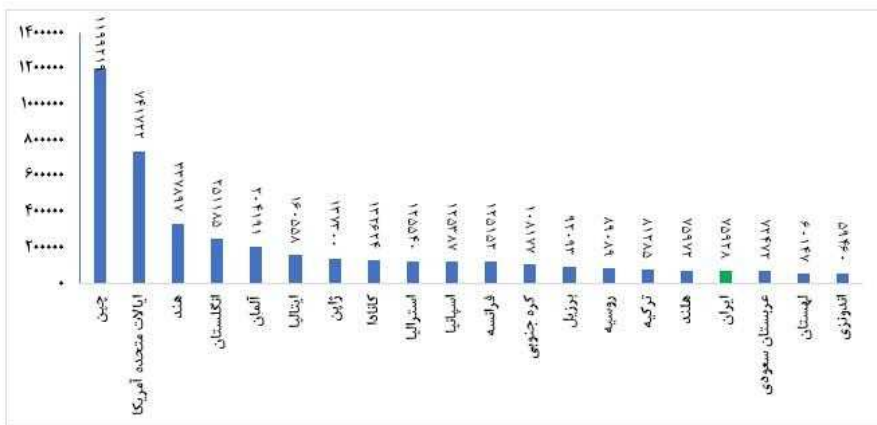
۱. درست است که جایگاه ایران در دهه‌های گذشته در این شاخه‌های علمی ارتقاء یافته است. اما باید به این پرسش پاسخ داد که فاصله ایران با دو سه کشور اول در هر یک از این شاخه‌های علوم چقدر است؟ و برای رسیدن به جایگاه‌های یک تا سه بین‌المللی چقدر باید هزینه کرد؟ باید توجه داشت که ارتقاء از موقعیت ۱۷ به ۱۶ و حتی ۱۵ در مسابقات ورزشی و علمی و ... چندان دشوار نیست و به همین دلیل حفظ چنین جایگاهی هم کار دشواری است.

از همین روست که می‌بینیم رتبه تولید علم ایران در طول ده سال، یعنی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ در جهان بین ۱۶ تا ۱۹ و در کشورهای اسلامی بین ۱ و ۲ نوسان داشته است.

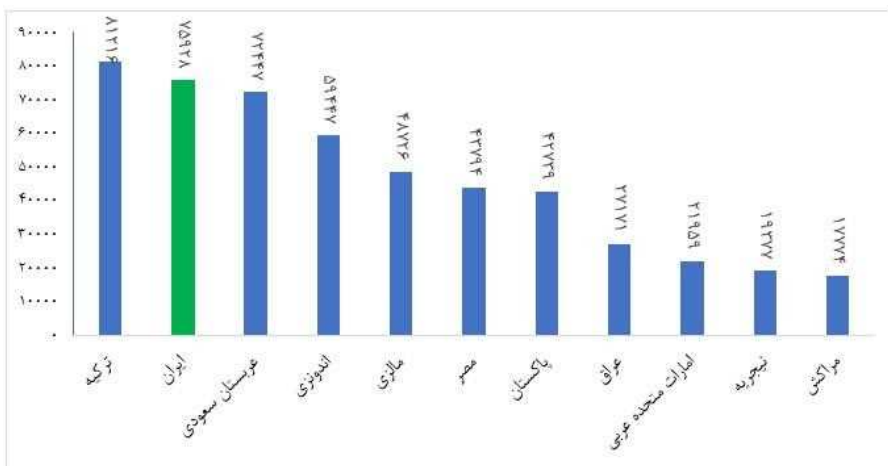
۱۴۰۳	۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۸۲	۱۳۵۹	
۲۰۲۴	۲۰۲۳	۲۰۲۲	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۰۳	۱۹۸۰	
۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۸	۱۹	۴۰	۵۲	تولید علم در جهان
۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۲	۲			تولید علم در کشورهای اسلامی

منبع: مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (۱۳۹۹، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳)

از سوی دیگر باتوجه به دو نمودار زیر نمی‌توان انتظار داشت به صورت عادی، با ۱۶ برابر هزینه‌ای که موجب ارتقاء رتبه ایران از ۱۷ به ۱۶ شده است، می‌توان به جایگاه اول تولید علم در جهان دست یافت. زیرا کشورهای دیگر هم کم یا بیش مانند ایران می‌کوشند جایگاه جهانی و منطقه‌ای خود را تولید علم حفظ نمایند و ارتقاء بخشند.



نمودار ۱. جایگاه علمی ایران به لحاظ تولید علم در بین کشورهای جهان - سال ۲۰۲۴



نمودار ۲. جایگاه علمی ایران به لحاظ تولید علم در بین کشورهای جهان اسلام - سال ۲۰۲۴

منبع: مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (۱۴۰۳)

۲. نکته دیگر این که در حال حاضر رتبه کشورها در تولید علم صرفاً بر مبنای تولید مقاله

علمی که در پایگاه‌های معتبر بین‌المللی نمایه می‌شوند، اعلام می‌گردد. این درحالی است که در مرجعیت علمی، محل رجوع بودن اهمیت دارد و این ویژگی براساس شاخص‌های دیگری سنجیده می‌شود از جمله این که چه تعداد به مقالات ارجاع داده شده؟ چه میزان مقالات مندرج در مجلات معتبر به مقالات ارجاع داده‌اند؟ و ... و در این زمینه وضعیت مقالات ایرانی با چالش گسترده‌تری روبه‌روست.

۳. اما نکته چالش برانگیزتر در این زمینه آن است که هر گامی که ایران در زمینه این علوم به جلو بردارد، در نهایت در چهارچوب نظریه‌های رایج علمی موجود قدم برداشته و به عبارتی ذیل پارادایم (فارغ از چالش‌هایی که در ارتباط با استفاده از این اصطلاح در حوزه‌های مختلف علوم وجود دارد، تنها از جهت شهرت این اصطلاح در اینجا از آن استفاده کرده‌ام) غالب عمل کرده است و در نقش تکمیل‌کننده پازل یا جدول کلمات متقاطع (تمثیل‌های کوهن برای پارادایم) که دیگران آن را پدید آورده‌اند ایفای نقش کرده است. اینکه رهبری می‌فرمایند: «امروز کارهای علمی مهمی در کشور در حال انجام است که غالباً جزو شاخه‌های علمی خلق شده به‌دست دیگران است، درحالی که علاوه بر این، باید با خلاقیت و نوآوری، قوانین ناشناخته طبیعت را کشف، و در تولید علم، نوآوری کرد» (خامنه‌ای ۱۴۰۰)، نشان‌دهنده این است که وجه عالی مرجعیت علمی از منظر ایشان، ایجاد یک پارادایم یا پازل علمی جدید است، نه صرفاً تکمیل پارادایم یا پازلی که دیگران طراحی و تدوین کرده‌اند یا به تعبیر لاکاتوشی، خلق یک برنامه پژوهش علمی جدید است که به دانشمندان سراسر جهان این نوید را بدهد که چهارچوب جدید دانشی پدید آمده است که می‌تواند مسائل علمی را بهتر از چهارچوب‌های رایج حل کند.

۲-۳. چالش‌های پیش روی مرجعیت علمی در عرصه بین‌المللی در علوم انسانی و اجتماعی
باتوجه به اینکه بیشتر نشریات ایرانی که از ابتدای انقلاب تاکنون در پایگاه‌های معتبر

بین‌المللی نمایه شده بودند، نشریات ریاضی، علوم پایه، مهندسی و پزشکی بودند، رتبه تولید علم ایران در این حوزه‌ها نسبت به رتبه تولید علم کلی ایران وضعیت بهتری داشته است. برای نمونه در سال ۱۳۸۹ رتبه ایران در ریاضیات نهم، در ترمودینامیک نهم، در نساجی نهم، در کامپوزیت‌ها دهم و بوده است (ISC, ۱۳۸۹). رتبه تولید علم ایران در شاخه‌های مختلف علوم در سال ۲۰۲۲ در جدول زیر آمده است.

رتبه ایران در جهان	علوم انسانی و هنر	علوم اجتماعی	علوم	تمامی شاخه‌ها
۳۵	۲۸	۱۵	۱۶	

منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲

براین اساس در چند سال اخیر معاونت پژوهشی وزارت علوم، تصمیم گرفته است از بین‌المللی سازی نشریات علوم انسانی، اجتماعی و هنر حمایت ویژه‌ای به عمل آورد، تا جایگاه این دسته از علوم در عرصه بین‌المللی ارتقاء یابد و به این طریق رتبه تولید علم ایران در عرصه تمامی علوم ارتقاء یابد. این سیاست هرچند بسیار ارزشمند است و می‌تواند زمینه را برای رؤیت‌پذیری دستاوردهای علمی ایران در زمینه علوم انسانی، اجتماعی و هنر فراهم آورد، اما به چند دلیل نمی‌تواند زمینه‌ساز آن مرجعیت علمی‌ای شود که مدنظر رهبر معظم انقلاب قرار دارد، زیرا «اکثر» نشریات علمی ایران در چهارچوب علوم انسانی، اجتماعی و هنر رایج فعالیت می‌کنند و به تعبیر دیگر در همان پارادایم و پازلی که توسط کشورهای توسعه‌یافته طراحی شده است یا به عبارت دیگر در همان چهارچوبی که شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی برای تحول آن تأسیس شده است.

۲-۴. دست‌یابی به مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام؛ گامی

مقدماتی

باتوجه به تفاوت‌های عمیق میان دانش کلامی و فقهی ادیان و مذاهب مختلف که قدمتی معادل عمر ادیان و مذاهب دارند، تصور این‌که به‌صورت مستقیم بتوان در حوزه علوم اسلامی (تفسیر، کلام، فقه) به مرجعیت علمی در کشورهای اسلامی رسید بسیار دشوار است. براین اساس از طرح تفصیلی این فرضیه گذر کرده و پیشنهادی مطرح می‌گردد که شاید بتواند به‌صورت غیرمستقیم نوعی مرجعیت اندیشه شیعی در کشورهای اسلامی و حتی در عرصه بین‌المللی را به ارمغان آورد.

باتوجه به گستردگی و عمق نگاه راهبردی رهبر معظم انقلاب در ارتباط با ایده علوم انسانی اسلامی و مرجعیت علمی ایران، تصور می‌شود توصیه ایشان به دانشگاه امام صادق (ع) در ۲۹ دی ۱۳۸۴، تنها توصیه‌ای به یک مرکز آموزشی در حوزه علوم انسانی اسلامی نبود و باید آن را توصیه‌ای به تمام مراکز فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی قلمداد کرد و فراتر از آن، آن را توصیه‌ای به شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانست تا با حکمرانی علمی و فرهنگی خود زمینه را برای تحقق مرجعیت علمی ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی در عرصه بین‌المللی فراهم آورد. با این تصور، فرمایش رهبر معظم انقلاب در معنای عام آن، این چنین قابل بازخوانی است:

ایدئال مراکز فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی، فقط نباید آن باشد که کارمند، وکیل و وزیر آگاه و متعهد برای ارکان اجرایی و قضایی تربیت کنند. نقطه آرمانی و رسالت اصلی این مراکز آن است که دانشمندان و صاحب‌نظران مؤمن، در رشته‌های مختلف علوم انسانی تربیت کنند که دنیا از نظرات آن‌ها استفاده کند. این مراکز باید کاری کنند که نه تنها از مراکز آموزشی و پژوهشی کشور سبقت گیرند بلکه این مراکز باید مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا شوند. امروز در همین دنیای گمراه غربی، افراد بسیاری هستند که به‌دنبال حقیقت‌اند؛ این‌ها باید بتوانند اثر علمی، حرف، فکر و راه تازه‌ای که این مراکز ارائه می‌دهند

را به سهولت ببینند و از آن استفاده کنند. این را ما از مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی می‌خواهیم.

۳. راهبردهایی جهت دستیابی به مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی

پس از ورود با تأخیر علوم جدید غربی به جهان اسلام، مواجهه‌های گوناگونی با آن صورت گرفت. در این میان جریانی که معتقد بود باید با عنایت به سوابق تاریخی، فرهنگی و فکری خود با دستاوردهای علمی غربی تعامل فعال داشت، نسبت به دو جریانی که قائل به طرد و پذیرش کامل علوم غربی بودند غلبه یافت. این جریان در صدد بود گونه‌های مختلف تأثیرگذاری دین در عرصه علم‌ورزی را شناسایی کرده و آن‌ها را در نهادهای علمی و مراکز آموزشی و پژوهشی خود عملیاتی نماید. در این میان کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت مسلمانان که در سال ۱۹۷۷ در شهر مکه برگزار گردید و در آن ۳۵۰ نماینده از کشورهای مختلف اسلامی حضور داشتند (نماینده ایران در این کنفرانس سیدحسین نصر بود)، نقطه عطفی در این جریان به حساب می‌آید. به واسطه بیانیه پایانی کنفرانس مکه، مراکز متعددی در کشورهای مختلف با هدف تحقق ایده دانشگاه اسلامی، علم دینی و علوم انسانی اسلامی تأسیس گردید. برای نمونه می‌توان به دانشگاه بین‌المللی اسلامی در پاکستان (۱۹۸۰)؛ مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی (۱۹۸۱) در آمریکا؛ دانشگاه بین‌المللی اسلامی (۱۹۸۳) و مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی (۱۹۸۷) در مالزی و ... اشاره کرد. این همایش و چندین همایش دیگر که به تبع آن برگزار گردید، عناوینی همچون علم دینی و علوم انسانی اسلامی، اسمله المعرفه و اسلامیه المعرفه و Islamization of Knowledge، به معنای عام و به‌طور خاص در هریک از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی را نه تنها در جهان اسلام بر سر زبان‌ها انداخت؛ بلکه این ایده برای محققان

کشورهای توسعه یافته غربی نیز موضوع جذابی گردید و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام گرفت که برای نمونه می‌توان به کتاب‌های «اسلامی‌سازی علم» (۱۹۹۶) اثر لیف اشترنبرگ، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه لوند سوئد و «اسلام، علم و مدرنیته» (۲۰۰۵) اثر کریستوفر فورلو و ... اشاره کرد.

در ایران هر چند ایده دانشگاه اسلامی توسط پهلوی دوم مطرح گردید، اما هدف اصلی از طرح این ایده محدود کردن حوزه‌های علمیه بود. البته سیدحسین نصر، به‌عنوان چهره‌ای شناخته‌شده جریان سنت‌گرایی، از ضرورت بازگشت امر قدسی در فرایند علم‌ورزی یاد می‌کرد و برای پیشبرد این ایده اقداماتی در ایران انجام داد (برای نمونه تأسیس انجمن سلطنتی فلسفه ایران، تدریس علوم اسلامی و انسانی در دانشگاه صنعتی شریف). اندیشمندان مسلمان دیگر مانند علامه طباطبایی، شهید مطهری در تلاش بودند با بهره‌گیری از تمامی میراث اسلامی، سهم اندیشه اسلامی را در مواجهه با فلسفه‌های غربی آشکار سازند. با وجود این ایده علم دینی و علوم انسانی اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با جدیت پیگیری شد و مراکز بسیاری برای تحقق آن تأسیس شدند.

فرهنگستان علوم اسلامی (۱۳۵۹)؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۶۱)؛ دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۶۱)؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) (۱۳۶۳)؛ دانشگاه باقرالعلوم (ع) (۱۳۶۴)؛ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۳۶۸)؛ دانشگاه مفید (۱۳۶۸)؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۷۳)؛ شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (۱۳۷۴)؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۷۴)؛ شورای تخصصی اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی (۱۳۷۷)؛ انجمن‌های روان‌شناسی اسلامی و اقتصادی اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۸۲)؛ انجمن مدیریت اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)؛ بنیاد فقهی مدیریت اسلامی (۱۳۸۵)؛ دانشگاه و پژوهشگاه

بین‌المللی مصطفی (ص) (۱۳۸۶)؛ پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۶)؛ مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا (۱۳۸۷)؛ شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی (۱۳۸۸)؛ گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۹۱)؛ پژوهشکده تحول علوم اسلامی دانشگاه شیراز (۱۳۹۱)؛ پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری (۱۳۹۲)؛ پژوهشکده تحول علوم اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۹۶)؛ مجمع عالی علوم انسانی اسلامی (۱۳۹۸)؛ مجمع پژوهشگاه‌های علوم انسانی اسلامی (۱۳۹۹) و ... نمونه‌هایی از مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، سیاستی مرتبط با ایده تحول علوم انسانی و دستیابی به علوم انسانی اسلامی هستند که در ایران پس از انقلاب تأسیس شده‌اند.

طبیعی است هرکدام از مراکز فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی با توجه به عده و عده خود درگیر مسائل آموزشی و پژوهشی و مأموریت‌های خاص خود هستند و در نهایت چشم‌انداز محدودی را هم برای مرکز خود ترسیم کرده‌اند، از این رو نمی‌توان انتظار داشت هر یک از آن‌ها به تنهایی بتواند مأموریت دستیابی به ابعاد گسترده و چند جانبه مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی را برعهده گیرند. در چنین موقعیتی به نظر می‌رسد این وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی است و شوراها تخصصی، به ویژه شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی است، که از اختیارات خود بهره گرفته و ظرفیت‌های متنوع و پراکنده موجود در این زمینه را برای دستیابی به هدف مرجعیت ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی بسیج نماید. از سوی دیگر به نظر می‌رسد برای دستیابی به چنین هدفی لازم است فعالیت‌های گوناگونی انجام گیرد و چنانچه این فعالیت‌ها حول محور واحدی تعریف نگردند، ممکن است با افراط و تفریط‌هایی همراه شود و نتواند به شکل مطلوبی هدف مد نظر را محقق سازد، همان‌گونه که در مقدمه بیان گردید، در ادامه با صرف نظر کردن از

آینده‌های محتمل و ممکن، به ترسیم آینده مطلوب در این زمینه اشاره می‌گردد. یعنی فرض گرفته می‌شود که دستیابی به تمدن نوین اسلامی در جامعه علمی و در میان مسئولان و سیاست‌گذاران نظام پذیرفته شده است. با توضیحاتی که ارائه گردید، دستیابی به مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی اسلامی، به‌عنوان گام مقدماتی برای دستیابی به مرجعیت علمی در سایر حوزه‌های دانشی پذیرفته شده است، چالش‌های عملیاتی از جمله محدودیت‌های مالی و تحریم‌های بین‌المللی در حدی نیست که مانع تحقق ایده مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی گردد. یک سناریوی خوش‌بینانه در ارتباط با این ایده ترسیم گردیده و یک راهبرد محوری به همراه چند راهبرد فرعی به منظور دستیابی به مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی پیشنهاد می‌گردد.

۱-۳. راهبرد کلان عملیاتی برای کسب مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام

همان‌گونه که اشاره گردید همایش ۱۹۷۷ مکه نقطه عطفی در جریان علوم انسانی اسلامی بود که به‌دنبال آن همایش‌های دیگری در عرصه بین‌المللی برگزار شد و مراکز در کشورهای مختلف تأسیس شدند. سال ۲۰۲۷ (۱۴۰۶) این رویداد علمی تأثیرگذار در جهان اسلام به پنجاه سالگی خود می‌رسد. پیشنهاد محوری تحقیق حاضر برای کسب مرجعیت علمی ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی آن است که این‌بار ایران اسلامی برپاکنده یک رویداد علمی تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی باشد و با دعوت از نمایندگان مراکز فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی و نماینده‌های کشورهای اسلامی، تجربه نیم‌قرن تلاش برای دستیابی به نظام تعلیم و تربیت اسلامی و علوم انسانی اسلامی در کشورهای مختلف بررسی گردد و ضمن تحلیل آینده ایده علوم انسانی اسلامی، برنامه مشترکی برای دستیابی به آینده مطلوب در این زمینه تدوین شود و میزان پیشرفت این برنامه به صورت

مرتبط در قالب همایش‌های دوره‌ای در کشورهای مختلف با محوریت دبیرخانه دائمی آن که در ایران تشکیل می‌گیرد، برگزار شود.

شایان ذکر است سال ۲۰۳۰ عربستان میزبان رویداد بین‌المللی اکسپو می‌باشد، و طبیعی است خواهد کوشید با برگزاری هرچه باشکوه‌تر این رویداد، موقعیت خود را جهان اسلام و منطقه تثبیت نماید. از این جهت برگزاری کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی تهران در سال ۲۰۲۷، حدود سه سال پیش از اکسپو ۲۰۳۰ عربستان، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. برگزاری این همایش بین‌المللی می‌تواند موج تازه‌ای در جریان علوم انسانی اسلامی در عرصه ملی و بین‌المللی ایجاد کند و زمینه را برای پیشبرد ایده علوم انسانی اسلامی، که در اسناد بالادستی نظام به آن اشاره شده است، در قالب دیپلماسی علمی، که این دغدغه نیز مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است، فراهم آورد و مرجعیت علمی ایران را در زمینه علوم انسانی اسلامی در عرصه بین‌المللی تثبیت نماید.

این راهبرد از آن جهت بنیادین و محوری است که اگر یکی دیگر از کشورهای اسلامی و فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی چنین اقدامی انجام دهند، این فرصت طلایی از دست خواهد رفت و سررشته کار در دست آن کشور قرار خواهد.

۲-۳. راهبردهای خرد عملیاتی جهت ثمربخشی بیشتر راهبرد کلان فوق

همان‌طور که اشاره گردید در بهترین حالت آن است که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای اجرای پیشنهاد بنیادی اول ارائه گردد، پیشنهادهایی که در این بخش به آن‌ها اشاره می‌گردد از یک سو در حاشیه آن اقدام بنیادی معنای ویژه و کارکرد مضاف خواهند یافت و چنانچه با تأخیر زمانی هم انجام گیرد یا به‌صورت مشترک توسط دیگر کشورهای اسلامی انجام گیرد، سررشته این جریان را از دست ایران خارج نمی‌کند. از سوی دیگر این اقدامات خرد، حتی در صورتی که همایش بین‌المللی یاد شده هم برگزار نشود، به‌عنوان یک گام مستقل

می‌تواند در فرایند کسب مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی ایفای نقش کند.

۳-۲-۱. راه‌اندازی خبرگزاری بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

یکی از مشکلات در جریان علوم انسانی اسلامی در گام اول انقلاب این بود که در بسیاری از موارد، عملکرد و دستاوردهای عینی مراکز فعال در این زمینه به‌خوبی دیده نمی‌شد، تاجایی که برخی از منتقدان از شکست ایده علوم انسانی اسلامی در ایران و جهان اسلام یاد کرده‌اند: «در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز کسانی خواه به ابتکار شخصی و خواه با توجه به الگوهایی که در بعضی دیگر از کشورهای اسلامی در دست تحقق بود، به‌خصوص پاکستان در دوران ژنرال ضیاءالحق، صلاهی ضرورت تولید علم اسلامی در دادند و برای عملی‌ساختن ایده خود، بودجه‌های قابل‌توجهی نیز دریافت کردند؛ اما همان‌گونه که طرح‌های همکاران ژنرال ضیاءالحق که صدها میلیون دلار از کیسه فتوت عربستان سعودی برای آنها هزینه شده بود به هیچ‌جا نرسید، کوشش‌های همتایان ایرانی آنان نیز ظاهراً بی‌نتیجه ماند؛ چراکه شور و هیجان سال‌های اولیه بعد از مدتی از میان رفت و روشن نشد که بودجه‌های اختصاص‌یافته مصروف چه فعالیت‌هایی شد و چه نتایجی بر آن مترتب گردید» (پایا ۱۳۸۶).

متأسفانه بسیاری از پژوهشگران فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی نیز به این‌گونه اشکالات منتقدان پاسخ نگفته‌اند و در نتیجه هنوز برای بخش عمده‌ای از جامعه علمی روشن نیست که نتیجه حدود پنجاه سال فعالیت در زمینه علوم انسانی اسلامی (از کنفرانس مکه در سال ۱۹۷۷ به این سو، در جهان اسلام و ایران) و تأسیس مراکز متعدد آموزشی و پژوهشی و برگزاری همایش‌ها و نشر مقالات و ... در عرصه ملی و بین‌المللی چه بوده است؟ حتی گزارش روشنی از مقالات ارائه شده در همایش‌های ملی و بین‌المللی در این پنجاه سال در اختیار محققان قرار ندارد.

از سوی دیگر علی‌رغم این که علوم انسانی اسلامی یکی از دغدغه‌های دیرینه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ اما گاه برخی دولت‌ها نسبت به این دغدغه بی‌توجهی کرده‌اند و حتی برخی اوقات مسئولان و متولیان امر تحول علوم انسانی در این زمینه کوتاهی‌هایی دارند که با تذکرات مقام معظم رهبری مواجهه شده است. رهبری بارها تأکید کرده‌اند که اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران نباید صرفاً در سطح مسئولان پیگیری شود؛ زیرا ممکن است در مقطعی اگر مسئولی آن هدف و آرمان را بر خلاف میلش ارزیابی کرد، نسبت به آن کوتاهی کند. در چنین مواردی توصیه رهبری این بوده که مطالبه و پیگیری اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نباید از ذهن‌ها دور شود. این اهداف و آرمان‌ها باید آنچنان از طرف قشرهای مختلف مردم و به‌خصوص جوانان دانشجو مطالبه شود، که هر مسئولی ناچار باشد، به آن بپردازد، هر چند بر خلاف میلش باشد به عقیده ایشان مطالبه این اهداف و آرمان‌ها نه تنها به نظام ضربه نمی‌زند، بلکه کاملاً در جهت تقویت انقلاب است. ایشان همچنین تصریح می‌کنند که ایجاد گفتمان و مطالبه عمومی و حرکت کشور به سمت اهداف اصلی بدون روشنگری محقق نمی‌شود، زیرا «ما با ذهن‌ها و دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه و جسم‌ها به کار نمی‌افتند» (خامنه‌ای ۱۳۹۵).

در برخی از موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مراکز متعددی هستند که اهداف و آرمان‌های نظام را پیگیری و مطالبه می‌کنند. حتی در موضوع علم، رصدهای مرتب و دقیقی توسط مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) انجام می‌گیرد و به تناسب آن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جهت ارتقاء رتبه علمی ایران در جهان و کشورهای اسلامی انجام می‌گیرد، اما در موضوع مهم و راهبردی‌ای همچون تحول علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی که می‌تواند به سامان وضعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور منتهی گردد، و زمینه را برای نیل به تمدن نوین اسلامی فراهم آورد، این مطالبه‌گری عمومی و نهادی دیده نمی‌شود و لذا

هرازگاهی شاهدیم که مقام معظم رهبری شخصاً گلابه خود را نسبت به عدم تحقق اهداف مدنظر در این زمینه بیان می‌دارند.

برای جبران این نقیصه لازم است یک خبرگزاری تخصصی برای پیگیری این موضوع تأسیس گردد تا از یک سو در سطح ملی بازگوکننده عملکرد مراکز فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی باشد؛ با پیگیری و مطالبه مرتب این موضوع، مانع از غفلت‌ها و کم‌کاری‌های مسئولان و دست‌اندرکاران این موضوع شود و از سوی دیگر در سطح بین‌المللی به شناسایی دقیق مراکز آموزشی و پژوهشی، انجمن‌های علمی، اساتید و پژوهشگران فعال در این زمینه و فعالیت‌های آن‌ها بپردازد؛ همایش‌های بین‌المللی در این موضوع را اطلاع‌رسانی کند و در مجموع زمینه تعامل مراکز و محققان داخلی و بین‌المللی را با هم فراهم آورد.

۳-۲-۲. رصد اقدامات صورت‌گرفته در زمینه علوم انسانی اسلامی در پنجاه سال گذشته خبرگزاری تخصصی در نهایت می‌تواند یک آشنایی گسترده، ولی سطحی از موقعیت جهانی در ارتباط با علوم انسانی اسلامی در اختیار فعالان علوم انسانی اسلامی قرار دهد. اما برای کسب مرجعیت علمی، شناسایی عمق فعالیت‌های علمی جهان اسلام در این موضوع ضروری است. بدین منظور لازم است اقدامات و دستاوردهای کشورهای مختلف اسلامی در زمینه علوم انسانی اسلامی، در هریک از شاخه‌های علوم انسانی اسلامی، در پنجاه سال گذشته به صورت دقیق شناسایی گردد؛ آسیب‌ها و موانع؛ و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های این کشورها برای آینده این ایده گردآوری شود. از سوی دیگر دستیابی به هدف «مرجعیت علمی ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی در عرصه بین‌المللی» محقق نمی‌شود، مگر این که ایران بتواند دستاوردهای خود را با دستاوردهای دیگر کشورهای اسلامی مقایسه کند. در این زمینه موسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) می‌تواند این مأموریت را بپذیرد که با کمک مراکز ایران و کشورهای اسلامی فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی،

اولاً شاخص‌هایی برای سنجش دستاوردهای این حوزه تدارک بیند و در ثانی رتبه کشورهای اسلامی را در این موضوع اندازه‌گیری کند.

چنانچه ایده برگزاری همایش بین‌المللی در شورای عالی انقلاب فرهنگی پذیرفته شود، لازم است دبیرخانه این همایش در قالب فراخوانی، مقالات علمی با عنوان کلی «..... اسلامی در، گذشته، حال و آینده» (جای خالی اول شاخه‌های مختلف علوم انسانی و جای خالی دوم کشورهایایی که در زمینه علوم انسانی اسلامی فعالیت داشته‌اند) را دریافت کند؛ مقالاتی که در آن دستاوردها و برنامه‌های کشورهای مختلف اسلامی در شاخه‌های مختلف علوم انسانی در پنجاه سال گذشته گزارش شده باشد. از طریق برقراری یک دیپلماسی قوی علمی و استفاده از ظرفیت‌های مختلف بین‌المللی از جمله یونسکو و آیسسکو و مراکز آموزشی و پژوهشی بین‌المللی و رایزنی‌های فرهنگی ایران در کشورهای مختلف می‌توان اطمینان حاصل کرد که تجربه تمامی کشورهای اسلامی در ارتباط با شاخه‌های مختلف علوم انسانی اسلامی در قالب مقالات جداگانه به دبیرخانه همایش بین‌المللی واصل خواهد گردید.

تأسیس انجمن‌های بین‌المللی در زمینه علوم انسانی اسلامی می‌تواند در این زمینه ایفای نقش کند. برای نمونه انجمن بین‌المللی روان‌شناسی اسلامی که در انگلستان قرار دارد، در قالب فراخوانی از کشورهای اسلامی خواست که تجربیات خود را در این موضوع در قالب مقالاتی برای این انجمن ارسال کنند. نتیجه آن کتاب روان‌شناسی اسلامی در سراسر جهان بود که با سرویراستاری عنبر حق و عبدالله روزمن و مقدمه توماس جی پلانت، در هفده فصل توسط محققانی از هفده کشور تدوین شد و توسط انتشارات انجمن بین‌المللی روان‌شناسی اسلامی با همکاری مراکز علمی سیاتل واشنگتن در ماه جولای ۲۰۲۱ منتشر گردید. فرایندی که به تدوین این کتاب انجامید می‌تواند الگوی مناسبی برای رصد فعالیت کشورهای مختلف در ارتباط با علوم انسانی اسلامی در شاخه‌های مختلف

باشد. یکی از فصول این کتاب توسط دو فعال عرصه روان‌شناسی اسلامی در ایران، حجج اسلام دکتر مسعود آذربایجانی و دکتر حمید رفیعی هنر، در قالب مقاله‌ای با عنوان «روان‌شناسی اسلامی در ایران، گذشته، حال و آینده» نوشته شده است. نسخه اصلاح و تکمیل شده این مقاله در پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی (۱۴۰۲) منتشر گردیده است. شایان ذکر است انجمن بین‌المللی روان‌شناسی اسلامی در پی موفقیت اقدام پیشین خود، درصدد جمع‌آوری دستاوردهای کشورهای مختلف اسلامی در زمینه روان‌شناسی بالینی اسلامی است و این بار نیز چند تن از محققان ایرانی با آن انجمن همکاری می‌کنند.

حتی اگر همایش بین‌المللی پیشنهادشده به هر دلیلی برگزار نگردد، در اختیار داشتن چنین اطلاعاتی درباره ایران و دیگر کشورهای اسلامی شرط لازم برای دست‌یابی به مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در عرصه بین‌المللی می‌باشد. رصدهایی که حمید رفیعی هنر به صورت شخصی در کانال ایتایی «محیی» گزارش می‌دهد، یا گزارش‌هایی که جعفر هوشیاری در ارتباط با مراکز، انجمن‌های علمی، نشریات، مقالات، کتب و ... روان‌شناسی اسلامی منتشر ساخته است، فعالیت‌های خوبی است که شایسته است شناسایی، حمایت و تقویت گردند و در شاخه‌های دیگری علوم انسانی اسلامی به عنوان الگو به کار گرفته شوند.

۳-۲-۳. تأسیس نشریه بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

پس از کنگره ۱۹۷۷ مکه و در راستای اهداف مندرج بیانیه پایانی کنگره، مراکز آموزشی و پژوهشی بین‌المللی متعددی تأسیس شدند که هر کدام از آن‌ها دست‌کم یک نشریه بین‌المللی دارند. برای نمونه: American Journal of Islamic Social Science چاپ آمریکا؛ Journal of Islamic Science چاپ هند؛ Muslim Education Quarterly چاپ انگلستان؛ Islamic Studies چاپ پاکستان؛ Islam and Science چاپ کانادا؛ قضایا الاسلامیه المعاصر، چاپ

عراق؛ المسلم المعاصر، چاپ مصر؛ اسلامیه المعرفه، چاپ آمریکا و ...

با وجود این که ایران یکی از کشورهای پیش گام و بسیار فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی بوده است، تاکنون حتی یک نشریه بین المللی که به عنوان ابزاری برای ارتباطات بین المللی ایران در این زمینه ایفای نقش کند پایه گذاری نشده است؛ نشریه ای که از یک سو در آن دستاوردهای ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی دست کم به دو زبان عربی و انگلیسی به جهانیان معرفی کند و از سوی دیگر آثار برگزیده خارجی را در قالب ترجمه یا گزارش به اطلاع فارسی زبانان برساند. برقراری ارتباطات بین المللی برای جلب نظر اساتید شناخته شده در عرصه جهانی جهت عضویت در هیئت تحریریه نشریه، تلاش برای جذب مقالات اساتید بین المللی فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی و ارزیابی آن، می تواند زمینه را برای گسترش و تعمیق دیپلماسی علمی فراهم آورد. از سوی دیگر اگر برگزاری همایش پیشنهاد شده به تصویب برسد و یکی از برنامه های آن برگزاری همایش های دوساله برای رصد فعالیت های کشورهای اسلامی در ارتباط با بیانیه پایانی همایش باشد، شایسته است نشریه ای بین المللی تأسیس گردد تا به نشر مقالات مرتبط با همایش پردازد.

۳-۲-۴. صندوق حمایت مالی بین المللی از ایده های نوآورانه مرتبط با علوم انسانی اسلامی
در حال حاضر صندوق های مالی بین المللی متعددی وجود دارند که به تناسب مأموریت خود، به حمایت از تحقیقات علمی بین المللی می پردازند و منابع مالی آن نیز به طرق مختلف، از جمله کمک کشورهای عضو، خیریه ها و موقوفات تأمین می شود.

حمایت مالی از پژوهش ها و آموزش ها یکی از ابزارهای حکمرانی علم قلمداد می شود. با توجه به تفاوت سطح اقتصادی کشورهای فعال در زمینه علوم انسانی اسلامی، تأسیس صندوق حمایت مالی بین المللی از ایده های نوآورانه در ارتباط با علوم انسانی اسلامی می تواند زمینه ساز رفع دغدغه های فعالان این عرصه باشد و باز هم به گسترش و تقویت

دیپلماسی علمی کشورهای اسلامی مدد رساند.

یکی از حمایت‌های این صندوق می‌تواند اهدای جایزه سالانه به بهترین پژوهش انجام گرفته در زمینه علوم انسانی اسلامی باشد، مشابه جایزه نوبل (که در شش رشته علمی اهدا می‌شود) یا جایزه بنیاد تمپلتون (که به بهترین تلاش علمی در زمینه رابطه علم و دین اهدا می‌شود).

۳-۲-۵. گسترش و تعمیق دیپلماسی علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی

دیپلماسی علمی به چند معنا به کار گرفته می‌شود. معنای مورد نظر در این تحقیق استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی برای پیشبرد اهداف علمی (در اینجا علوم انسانی اسلامی) است. بی‌شک برگزاری یک همایش بین‌المللی با هدفی آینده‌نگارانه، که قرار است سیاست‌های کشورهای اسلامی را برای پنجاه سال آینده پایه‌گذاری کند، دیرخانه آن در ایران باشد، به صورت دوره‌ای در یکی از کشورهای اسلامی برگزار شود و از سوی دیگر تأسیس خبرگزاری و نشریه و صندوق مالی بین‌المللی و گسترش و تعمیق ارتباطات بین‌المللی در زمینه علوم انسانی اسلامی، بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی ممکن نیست.

در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز بدون این که به اصطلاح دیپلماسی علمی اشاره شده باشد، این مفهوم مدنظر بوده است. برای نمونه در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دست‌یابی به جایگاه علمی در منطقه و الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام و همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) اشاره شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

در نقشه جامع علمی کشور تعامل فعال و الهام‌بخش با مراکز معتبر بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مشترک و تسهیل همکاری‌های علمی با مؤسسات خارجی، برگزاری فرصت‌های مطالعاتی و پژوهشی و همایش‌های علمی برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها، تشویق مشارکت دانشمندان در همایش‌های بین‌المللی و اولویت‌دار و ... نمونه‌هایی از مقولات

مرتبط با دیپلماسی علمی به‌شمار می‌آید (شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۹).

در سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور مفهوم دیپلماسی علمی با عباراتی از این دست مدنظر بوده است: تولید، رشد و توسعه علمی از طریق گفتمان‌های علمی رایج در عرصه بین‌المللی، ایجاد و توسعه دفاتر همکاری بین‌المللی در عرصه علمی، شکل‌گیری دانشگاه‌های بین‌المللی، توسعه همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهانی و تبادل استاد و دانشجو و اجرای دوره‌های آموزشی مشترک، حضور در مجامع و شبکه‌های علمی بین‌المللی و ... که نتیجه تمامی این اقدامات دست‌یابی به مرجعیت علمی کشور می‌باشد (وزارت علوم ۱۳۸۸).

در سیاست‌های کلی نظام نیز که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده به توسعه علمی و ارتقای جایگاه ایران در عرصه جهانی از طریق تقویت شبکه‌های ارتباطی میان دانشگاه‌ها، مراکز علمی، دانشمندان و پژوهشگران سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای جهان اسلام، به منظور دست‌یابی به جایگاه علمی اول منطقه تأکید شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

یکی از موضوعات علمی مطرح در ایران که ظرفیت عظیمی برای دیپلماسی علمی به‌خصوص در جهان اسلام دارد، علم/علوم انسانی اسلامی است که از یک‌سو در جهان اسلام طرفدار بسیاری دارد و از سوی دیگر ایران در در چهار دهه گذشته دستاوردهای مطلوبی در این موضوع برای ارائه به کشورهای اسلامی داشته و از مزیت رقابتی قابل توجهی در این زمینه نسبت به بسیاری از کشورهای اسلامی برخوردار است. در سال‌های گذشته اساتید و پژوهشگران و مراکز آموزشی و پژوهشی ایرانی در سطح محدودی در همکاری‌های علمی بین‌المللی مشارکت داشته‌اند که برای مثال می‌توان به انتشار مقاله در نشریات بین‌المللی، شرکت در همایش‌های بین‌المللی، مشارکت در طرح‌های تحقیقاتی مشترک بین‌المللی و ... اشاره کرد. در دهه دوم انقلاب مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی (المعهد العالمی للفکر الاسلامی) در ایران نمایندگی داشت و دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه نیز با مشارکت آن فعالیت‌های علمی مشترکی (برگزاری همایش و نشر کتاب) را انجام دادند. هفت دوره کنگره بین‌المللی و شش دوره جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی که توسط مجمع عالی علوم انسانی اسلامی انجام شد، یکی از اقدامات بین‌المللی ایران در این عرصه است. اما ضعف دیپلماسی علمی در این موضوع مانع استفاده بهینه از ظرفیت‌های بین‌المللی در این زمینه گردید.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ایده تحول علوم انسانی و زمینه‌سازی برای دستیابی به علوم انسانی اسلامی در گام اول انقلاب به اشکال مختلف توسط مراکز متعدد آموزشی، پژوهشی، سیاست‌گذاری دنبال شده است و دستاوردهایی به همراه داشته است. با وجود این کماکان فاصله زیادی میان وضع موجود و وضع مطلوب در این زمینه، یعنی دستیابی به مرجعیت علمی در زمینه علوم انسانی اسلامی در عرصه بین‌المللی، که دغدغه رهبر معظم انقلاب بوده و هست، وجود دارد و این فاصله را نمی‌توان از میان برداشت، مگر آن که آسیب‌شناسی درون‌گفتمانی ایده و جریان علوم انسانی اسلامی در کشور گسترش و تعمیق یابد، خلأهای نهادی موجود در این زمینه شناسایی شود و یک اقدام محوری در این زمینه برنامه‌ریزی شود و با روحیه و مدیریت جهادی دنبال گردد که بتواند روح تازه‌ای در کالبد این جریان پنجاه‌ساله بدمد.

در این مقاله در قالب یک سناریوی خوش‌بینانه و با گذر از آینده‌های ممکن و محتمل، برای رسیدن به یک آینده مطلوب، ایده محوری برگزاری همایش بین‌المللی «علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام؛ گذشته، حال و آینده» در سال ۲۰۲۷ پیشنهاد گردید که در آن با محوریت جمهوری اسلامی ایران اقدامات کشورهای مختلف در زمینه علوم انسانی اسلامی در پنجاه‌سال گذشته ارزیابی و آسیب‌شناسی گردد و برنامه‌ای برای پنجاه‌سال آینده

با مشارکت نخبگان علمی این ایده در عرصه بین‌المللی تدوین شود. به‌منظور تحقق هر چه بهتر اهداف این همایش چند پیشنهاد حاشیه‌ای نیز مطرح گردید از جمله «تأسیس انجمن بین‌المللی مطالعات علوم انسانی اسلامی»، «تأسیس نشریه بین‌المللی علوم انسانی اسلامی»، «تأسیس خبرگزاری علوم انسانی اسلامی»، «تأسیس صندوق حمایت از ایده‌های نوآورانه در زمینه علوم انسانی اسلامی» و ...

امید است پس از بررسی و تصویب این ایده و پیگیری اجرایی آن توسط تمامی مراکز فعال در زمینه تحول علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی در کشور و گسترش و تعمیق دیپلماسی علمی و ... زمینه برای دست‌یابی به مرجعیت علمی ایران در ارتباط با علوم انسانی اسلامی فراهم آید.

منابع

۱. آذربایجانی، مسعود و حمید رفیعی هنر. ۱۴۰۲. «روان‌شناسی اسلامی در ایران، گذشته، حال و آینده». پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی، ۹(۱۸).
۲. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۸. «بیانات در دیدار بسیجیان». ۱۳۹۸/۹/۶.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>
۳. _____ . ۱۳۹۹ الف. «سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)». ۱۳۹۹/۳/۱۴.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45814>
۴. _____ . ۱۳۹۹ ب. «بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی».
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47066>، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۵. _____ . ۱۴۰۰. «بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی».
 (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49633>
۶. _____ . ۱۳۶۸. «بیانات در دیدار اعضاء بنیاد دایره‌المعارف اسلامی».
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2208>
۷. _____ . ۱۳۸۲. «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴».
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9034>، ۱۳۸۲/۸/۱۲
۸. _____ . ۱۳۸۴. «بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)»
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328>، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

۹. _____ . ۱۳۹۲. «سیاست‌های کلی علم و فناوری»، ۱۳۹۲/۶/۲۹،
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27599>
۱۰. _____ . ۱۳۹۵. «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان»، ۱۳۹۵/۴/۱۲،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33694>
۱۱. _____ . ۱۳۹۷. «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»،
<https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=44367>
۱۲. _____ . ۱۴۰۰. «بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی»، ۱۴۰۰/۸/۲۶،
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=49002>
۱۳. _____ . ۱۴۰۱ الف. «بیانات در دیدار اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا»، ۱۴۰۱/۱۰/۱۲،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51764>
۱۴. _____ . ۱۴۰۱ ب. «بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی»،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51490>، ۱۴۰۱/۹/۱۵
۱۵. _____ . ۱۴۰۱ ج. «بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها»،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51840>، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰
۱۶. _____ . ۱۴۰۱ د. «بیانات در دیدار مردم قم»، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51707>
۱۷. _____ . ۱۴۰۱ ه. «بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح»، ۱۴۰۱/۷/۱۱،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51048>

۱۸. _____ . ۱۴۰۲. «بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی». ۱۴۰۲/۱/۲۵،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54139>
۱۹. _____ . ۱۴۰۳. «بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان». ۱۴۰۳/۱/۱۹،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=56000>
۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۹. رشد ایران اسلامی در تولید علم؛ سهم علوم انسانی اندک است، [/https://www.irna.ir/news/85345236](https://www.irna.ir/news/85345236)
۲۱. رودی، کمیل. ۱۳۸۹. دانشگاه و مرجعیت علمی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. سیدجوادین، سیدرضا و همکاران. ۱۳۹۱. «مفهوم‌پردازی مرجعیت علمی در نظام آموزش عالی». پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۶(۱۶).
۲۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۹. سند نقشه جامع علمی کشور.
۲۴. صبوری، علی‌اکبر. ۱۴۰۲. آموزش عالی، توسعه علمی و مرجعیت علمی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. عبدالحسین‌زاده، محمد و همکاران. ۱۳۹۴. «تدوین مدل نظام‌مند مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران، براساس بیانات مقام معظم رهبری». مطالعات راهبردی بسیج. ۱۸(۶۸).
۲۶. قلی‌پور، حسین. ۱۳۹۹. ساخت دانشگاه در افق مرجعیت علمی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. لطیفی، میثم و همکاران. ۱۳۹۷. «استخراج و اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی ج.ا.ا.». راهبرد. ۲۷(۱۶).
۲۸. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. ۱۴۰۱. درآمدی بر ایده علوم انسانی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۹. مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام. ۱۳۹۹. «جایگاه علمی ایران در

WOST (۱۳۹۹)»، <https://isc.ac/fa/grid/106>

۳۰. _____ . ۱۴۰۲. «صعود ۳۵ پله‌ای رتبه تولید علم ایران در سال‌های پس از انقلاب

اسلامی». [/https://isc.ac/fa/news/2223](https://isc.ac/fa/news/2223)

۳۱. _____ . ۱۴۰۳. «جایگاه علمی ایران در WOST (۱۴۰۳)».

<https://isc.ac/fa/grid/214/>

۳۲. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ۱۳۸۸. سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور.

33. Stenberg, Leif. 1996. **The Islamization of Science**. Four Muslim Positions Developing an Islamic Modernity, Stockholm: Almqvist & Wiksell International.

34. Stenmark, M. 2005. "A Religiously Partisan Science", **Theology and Science**, 3(1).

